

Research Article

Jurisprudential documentation of the statement of the second step of the revolution

Ahmad Ali Sarhadhi^۱, Mahmoud Qayyumzadeh^۲, Nader Mokhtari Farakti^۳,
Zainab Sancholi^۴

Received: ۲۰۲۲/۱۰/۲۸

Accepted: ۲۰۲۳/۰۳/۱۲

Abstract

The Great Islamic Revolution of Iran passed the ۴۰-th anniversary of its victory and entered the fifth decade of its life, which although its arrogant enemies had a false assumption in their heads, but its friends all over the world, hopefully, overcome the challenges and gain Stunning progress has always been proudly seen. At such a turning point, the wise leader of the Islamic Revolution issued the "Statement on the Second Step of the Revolution" and in order to continue this clear path, explained the tremendous achievements of the past fourteen decades and provided basic recommendations for the "Great Jihad to build a great Islamic Iran". Therefore, the purpose of researching jurisprudential documents is the declaration of the second step of the revolution. According to the Shiite basis of the Iranian Islamic Revolution and the dynamics of jurisprudence, the modernity and new interpretation of Islamic thought along with the preservation of religious authenticity is one of its main characteristics, including the effective roles of the leader in stability, the revolution is the choice of the type of government after the revolution. The nature and ideology that mobilized the revolutionary forces and ultimately led to the revolution is very effective in determining the government. Among the seven key leadership recommendations to the youth in the second step statement, the fourth axis is dedicated to "justice and fighting corruption". Based on this paragraph: "These two are mutually necessary requirements for the realization of justice in the second step of the revolution, the realization each of the social values in the society requires requirements. Persistence on the principles and ideals is another essential role of the leaders of the Islamic Revolution of Iran in its stability. One of the categories that the leaders of the Islamic Revolution of Iran presented to the Islamic world based on their religious teachings is the culture of resistance and endurance against the arrogant and the creation of self-fertility, a significant increase in spirituality and ethics in the atmosphere of society, justice and the fight against corruption.

Keywords: *Iran's Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, Imami jurisprudence, justice, negation of oppression, defense of the oppressed.*

^۱ - PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

^۲ - Professor, Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. (corresponding author) maarefteacher@yahoo.com

^۳ - Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchistan.

^۴ - Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مستندات فقهی بیانیه گام دوم انقلاب

احمد علی سرحدی^۵، محمود قیوم زاده^۶، نادر مختاری فراکتی^۷، زینب سنجولی^۸

چکیده

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمانه ای باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره کننده، همواره سربلند دیده اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهاردهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده اند. لذا هدف تحقیق مستندات فقهی بیانیه گام دوم انقلاب است. با توجه به مبنای شیعی انقلاب اسلامی ایران و پویایی فقه، آن روزآمدی و تقریر جدید از اندیشه اسلامی همراه با حفظ اصالت دینی یکی از شاخصه های اصلی آن است از جمله نقش های مؤثر رهبر در پایداری، انقلاب انتخاب نوع حکومت پس از انقلاب است. ماهیت و ایدئولوژی ای که نیروهای انقلابی را بسیج کرده و نهایتاً منجر به وقوع انقلاب شده، در تعیین حکومت بسیار مؤثر است. در میان توصیه های هفت گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور اختصاص به «عدالت و مبارزه با فساد» دارد. مبتنی بر این بند: «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند الزامات تحقق عدالت در گام دوم انقلاب، تحقق هر یک از ارزش‌های اجتماعی در جامعه نیازمند الزاماتی است. استقامت بر اصول و آرمان‌ها یکی دیگر از نقش‌های اساسی رهبران انقلاب اسلامی ایران در پایداری آن است. یکی از مقوله‌هایی که رهبران انقلاب اسلامی ایران بر اساس آموزه‌های دینی آن را به جهان اسلام عرضه کردند فرهنگ مقاومت و استقامت در برابر مستکبران و ایجاد خودباروری، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه و عدالت و مبارزه با فساد است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، آیت الله خامنه ای، فقه امامیه، عدالت، نفی ظلم، دفاع از مظلوم.

^۵ - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. ahmadsarhad466@gmail.com
^۶ - استاد، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول) maarefteacher@yahoo.com
^۷ - استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان. d.r-mokhtariafra@theo-usb.as.ir
^۸ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. zsanchooli@yahoo.com

بیانیه گام دوم انقلاب از اسناد مهم و با اهمیت جمهوری اسلامی ایران است که توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر شده است. محتوای این سند علاوه بر اشاره به تاریخ گذشته‌ی ایران، دستاوردهای چهل ساله‌ی انقلاب را نیز ترسیم نموده و با اشاره به اهداف پیش رو چشم‌انداز تازه‌ای را برای ساختن ایران اسلامی در گام دوم ارائه می‌دهد. از محورهای حایز اهمیت این بیانیه "سیاست" است که اگر بر پایه‌ی معیارهای دینی و اسلامی باشد جامعه و حکومت و مردم را به مسیر روشن هدایت خواهد کرد. یکی از مهمترین مسایلی که در این سند حیاتی مورد بررسی رهبر جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که البته چنین امری با تکیه بر قاعده‌ی نفی سبیل محقق خواهد شد. بدین ترتیب که هرگونه سلطه خارجی و غیرمسلمان را نفی کرده و فیلتری است که از هجوم و نفوذ هجمه‌های اغیار و دشمنان و بیگانگان جلوگیری خواهد کرد. بیانیه گام دوم انقلاب بیش از آن که منشوری جهت ارتقای آگاهی مردم ایران باشد، راهبردی است که به نهادینه سازی انقلاب بر پایه بهره گیری از گذشته تاریخی ایران، دستاوردهای بشری و تجربه چهل سال اول انقلاب می‌اندیشد. به طور قطع، تحقق مفاد این بیانیه، به راهبردهایی نیازمند است که با شناخت واقعی از عناصر قدرت نرم انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، به دنبال راه دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری در مورد بیانیه گام دوم فرموده اند: «من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیده ام ... من بنای بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم یا مطلبی می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار کنند ولی راجع به این می‌گویم این کار را بکنند».

از اولین توصیه‌ها در این بیانیه، توصیه به علم و پژوهش است که در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرمایند: ما راهی را آغاز کرده‌ایم و باید از قله‌های دانش جهانی عقب نمانیم. این رهنمود شامل آموزش، تحصیل، پژوهش در علوم انسانی و علوم تجربی و بقیه‌ی علوم است. در قرآن کریم و روایات معصومین — علیهم السلام — در فضیلت علم و علم آموزی سخنان زیبایی وجود دارد: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛ خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز (شهادت می‌دهند). رسیدن به مرتبه درک توحید پروردگار و شهادت به آن، برای صاحبان علم امکان پذیر است و این در فضیلت و ضرورت علم به تنهایی کافی است. چون علم چنین ثمره دلپذیری دارد.

دومین توصیه رهبر انقلاب، توجه و اهتمام به معنویت و اخلاق است که منظور از معنویت برجسته کردن ارزش‌های دینی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان و... در جامعه است. با تأکید بر اینکه نباید از برجسته کردن ارزش‌ها یک تکلیف فردی را اراده کنیم، بلکه مراد و مقصود تکلیف اجتماعی است و در ادامه دولت و حاکمیت هم موظف می‌شود تا ارزش‌های معنوی را پاس بدارد و در حفظش اهتمام ورزد.

همه آنچه راجع به استقلال اقتصادی، سلامت اقتصادی یا مذهب اقتصادی در اختیار داریم مورد بررسی و بازنگری در بیانیه گام دوم انقلاب است. آیه ۱۳۹ آل عمران از جمله آیاتی است که می‌توان مولفه‌های اقتصاد مقاومتی را از آن استخراج کرد؛ خداوند در این آیه می‌فرماید که مومنان نباید سست و غمگین شوند زیرا آن‌ها اگر ایمان داشته باشند، قطعاً پیروز خواهند شد. چهارمین مورد بحث عدالت و مبارزه با فساد است که در جای جای فقه و مناسب دینی و اسلامی از کتاب گرفته تا سنت، به رعایت عدل و مبارزه با فساد پرداخته شده است. در جامعه اسلامی باید به جایی برسیم که همانطور که فساد هزینه دارد، کارگزار نظام شدن هم هزینه داشته باشد. ر سوره آل عمران و در آیه ۱۱۰ آمده است، «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ أَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ». در تفسیر این آیه شریفه در کتاب تفسیر نور هم به این نکته اشاره شده که سفارش به خوبی‌ها بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است.

پنجمین مورد در بیانیه گام دوم مسئله استقلال و آزادی است؛ آزادی ملت از نهادهای قدرت جهانی که تبعاً به استقلال هم برمی‌گردد. در اسلام و از منظر فقه روایات فراوانی راجع به استقلال وجود دارد که در مناسبات روزمره زندگی حتی در پوشیدن لباس هم وارد شده است. قرآن کریم در اینباره می‌فرماید وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ «و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است، برمی‌دارد».

ششمین مسئله در بیانیه گام دوم، بحث عزت ملی، روابط خارجی و با دشمن است که قبلاً تحت عنوان حکمت، عزت و مصلحت عنوان شده بود. وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ به کسانی که [به آیات خدا و پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده‌اند، تمایل نداشته و تکیه نکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شما را در برابر خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی‌شوید. قرآن کریم، بیان گر همه نیازهای بشر و نقشه راه زندگی ماست. بر این آخرین بند از توصیه‌های ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، بحث سبک زندگی است و اینکه از دیدگاه فقهی آیا در اسلام سبک خاصی از زندگی وجود دارد یا خیر؟ آداب و رسوم و سبک‌های مختلف زندگی در گوشه گوشه ایران و جهان می‌تواند وجود داشته باشد اما اسلام با توجه به نگاهی که به گستره شریعت داریم دارای سبک خاص زندگی است و البته شایان ذکر است که اسلام با آداب و رسوم هم کنار می‌آید.

۱- مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب

۱-۱- مبانی عدالت

عدل در لغت و اصطلاح، معانی مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «نهادن هر چیزی به جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، محمد ۱۳۸۶)، فرهنگ معین، واژه عدل)، «به تساوی تقسیم کردن» (لوپس معلوف، المنجد، ماده عدل)، «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران، اگر عمل نیک است پاداش، و اگر بد است کیفر داده شود» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۵). شهید مطهری رحمه‌الله علیه از واژه عدالت و ظلم، که درباره انسان به کار می‌رود، چنین ترسیمی ارائه داده است: «ما افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد، به حقوق آنها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره او است، با نهایت بی‌طرفی، به همه به یک چشم نگاه می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (یعنی عدالت) می‌دانیم و روش او را قابل «تحسین» می‌شماریم و خود او را عادل می‌دانیم. در مقابل، فردی را که نسبت به حقوق دیگران تجاوز می‌کند، در حوزه قدرت و اداره خود میان افراد تبعیض قائل می‌شود، طرفدار ستمگران و ستمکشان «بی تفاوت» است، چنین کسی را دارای نوعی نقص به نام «ظلم» و ستمگری می‌دانیم و خود او را «ظالم» می‌خوانیم و روش او را لایق «تقیح» می‌شماریم (مطهری، مرتضی ۱۳۹۹، ص ۴۵).

۱-۱-۱- معنای لغوی

"الْعَدَالَةُ" و "المُعَادَلَةُ" لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن عدل به مساوات در آن مورد هم به کار می‌رود. "عَدْل" در چیزهایی که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود، به کار می‌رود مثل احکام و عَدْل و "عدیل" در چیزهایی است که با حواس درک می‌شوند مثل اوزان، اعداد و پیمانه‌ها (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۲۵). "عدل" ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی‌بار در قرآن ذکر شده و این تکرار اشاره دارد به اینکه قرآن درباره عدل توجه فراوانی دارد (شرباصی، احمد، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۳).

۱-۱-۲- معنای عرفی

"عدل" به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود از این رو عدل را به معنی "اعطاء کل ذی حق حَقَّهُ" گرفته‌اند، و برخی در معنای عدل توسعه داده‌اند و آن را به معنای «هر چیزی را در جای خود نهادن یا هرکاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار برده‌اند (فوادیان دامغانی، رمضان ۱۳۸۲، ص ۲۷).

۱-۱-۳- عدالت خداوند

عدالتی که جزء اصول مذهب است یکی از صفات خداست و در اصل خداشناسی که نخستین اصل از اصول دین است مندرج می‌باشد، ولی ممتاز ساختن آن بسیار پر معنی است به همین دلیل در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است (دبیری، محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲). خدای متعال، نسبت به هیچ کس ظلم و ستم نمی‌کند و کاری را که عقل سالم آن را زشت می‌شمارد، انجام نمی‌دهد (فوادیان دامغانی، رمضان ۱۳۸۲، ص ۲۲). خداوند عادل است و جهان را بر مبنای عدالت آفریده است روزی مردم را اندازه‌گیری فرموده و از روی عدالت به هر کدام نصیبی از مبنای قسّ حقوق اسلامی وسعت رزق و تنگدستی داده است، جز به عدالت فرمان نمی‌دهد و به ستم پاداش کسی را ضایع نخواهد کرد (داوودی، محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۸۰).

۱-۱-۴- عدالت در اخلاق

افعال انسان در عدالت، به میانه‌روی و اعتدال انجام می‌شود و این از شریف‌ترین و برترین فضیلت‌هاست، زیرا جامع همه فضایل و ملازم آنهاست، عدالت اخلاق، در حقیقت شامل تعادل و عدالت میان قوای درونی انسان و انعکاس آن بر رفتار ظاهری است و مصداق آن انبیاء (علیهم‌السلام) می‌باشند (جمعی از پژوهشگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۱۱، ص ۱۷۱).

۱-۲- مبنای نفی ظلم

۱-۲-۱- نفی ظلم و ظلم شناسی

در خصوص کارکرد ظلم در فقه باید گفت که بنابر تقسیم صناعی، یا باید قائل بر این بود شارع تنها عموماً را بیان کرده و ناظر به موضوعات مشخص حکم خاصی وضع ننموده است، یعنی صرفاً آنچه را که براساس فرهنگ جامعه عدل است امضا و تأیید کرده و آنچه را که بر همان اساس ظالمانه است، رد کرده است (البته نه به عنوان حکم امضایی که خود از قبیل حکم موضوعی معین است)، یا اینکه احکام خاصی دارد، اما شرط عمومی این احکام مطابقت با عدل و ظالمانه نبودن است. حال، اینکه ظالمانه نیست یا براساس معیار عرف و شناختی است که عرف جامعه از ظلم و عدل دارد یا براساس مرتکز عقلاً و با در نظر گرفتن معیار عقل است. در ادامه، نظر نگارنده در چند گزار بیان می‌گردد:

شارع مقدس براساس مصالح و مفاسد — که بنابر دستگاه کلامی عدلیه مبنای احکام شرعی است — احکام و مقررات مشخص و معینی وضع نموده و تنها به توصیه به کلیات و عموماً اکتفا نکرده است. ظاهر آیاتی که تعبیر «تک حدودالله» در آنهاست و هم-چنین، آیات و روایات دیگر مؤید این مطلب است. به علاوه اینکه، اساساً شریعت بدون احکام ثابت بی‌معناست و انکار احکام ثابت منجر به انکار شریعت می‌شود. به علاوه، در بررسی نقش ظلم در استنباط فقهی، لازم است مشخص شود در فرآیندی که یک فقیه طی می‌کند (از مواجهه با یک موضوع و پدیده تا دانستن حکم شرعی آن) ظلم تا چه حد اثرگذار است. چنین امری بر این مبنا شکل می‌گیرد که دستگاه استنباط فقهی مورد پذیرش است و اینکه یک حکم شرعی مشخص وجود دارد که برای فهمیدن آن تلاش می‌شود. وقتی حکم شرعی مشخصی فرض نشود یا اینکه اصلاً چنین فرآیند و دستگاهی مورد قبول واقع نشده باشد، موضوعاً از بحث ما خارج است. مؤدای بعضی روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸: ۱۶-۱۴) این است که خداوند متعال برای هر چیزی حدی قرار داده است و اگر کسی از آن حد تعدی نماید، مستوجب حد می‌گردد که آن هم جعل خداوند است. حد در این روایات، در همه موارد به معنای مجازات نیست. علاوه بر اینکه خود حد به عنوان مجازات را می‌توان مصداقی از حد و مرزی که خداوند تعیین کرده، دانست. بر این اساس، دایرة حدودالله منحصر به موضوعات و موارد خاصی نیست و مثلاً تنها بخش عبادات را دربر نمی‌گیرد، بلکه در هر موضوعی وجود دارد. لذا حدودالله شمول دارد و خاص بعضی موارد نیست.

۱-۲-۲- نقش ظلم

در محیط پژوهش فقهی، وقتی از نقش ظلم در سیستم استنباط سخن می‌گوییم، ظلم براساس حدود شناخته‌شده همین دستگاه معنا خواهد یافت. با این نگرش، دیگر لازم نیست به عرف گفته شود نمی‌تواند مصادیق ظلم را بشناسد یا عقل

نمی‌تواند تمام مصادیق ظلم را درک کند، بلکه عرف و عقل، و هر شخصی بر پایه شناختی که از حدود و حقوق دارد، در مورد مصادیق ظلم قضاوت می‌کند. حال، این حدود و حقوق است که می‌تواند صحیح نباشد. در سایر نظام‌های حقوقی نیز چنین است. اصلاً ایرادی ندارد که وقتی شخص از منظر حقوق غربی به فقه اسلامی می‌نگرد قوانین آن (مثلاً ارث و قصاص و دیات) را ظالمانه بداند، چون با مبنای خودش قضاوت می‌کند و نباید به او گفت ظلم و عدل را نمی‌فهمد، بلکه باید گفت آن مبانی و حدود با مبانی ما متفاوت است و این، نکته قابل بحث است. همچنان که گفته شد حدود شارع فراگیر است، اما در نظام فقهی ما اینگونه است که در بعضی از موارد (مانند غالب مباحث عبادی و بعضی موارد در معاملات و سیاسات و مجازات‌ها، مانند میزان ارث و حرمت ربا و تعیین حدود غرر و بحث شهادت و دیات و تفاوت دیه زن و مرد و غیره) شارع احکام را مشخصاً تعیین می‌کند همچنین فقه‌های ما پذیرفته‌اند که در مواردی نیز شارع به نظر عقل و به سیره عقلاً اعتبار داده یا اعتبار آن را امضا کرده و یا رد کرده است. در اینگونه موارد، این حدود، حدود معتبر شرعی قلمداد می‌شوند. همین‌طور، در مسائلی حد و حدود عرفی ملاک واقع می‌گردد. پس براساس نظام فقهی فعلی ما، آنچه مجموعه حدود شرعی را تشکیل داده، حدودی است که شارع خود مشخصاً تعیین نموده و حدود عقلی و عرفی است که معتبر شمرده است.

نکته پایانی اینکه، بعضاً سعی شده مطالبی که در خصوص نقش ظلم گفته شد—یا مسائلی که هم‌تراز آن در مورد عدالت بیان شده است—در قالب قاعده فقهی ترسیم شود. لذاست که برخی از قاعده عدالت یا قاعده عدالت و نفی ظلم سخن گفته‌اند. اینکه بخواهیم جایگاه آن را در مجموعه بحث‌های فقهی مشخص کنیم که آیا قاعده فقهی است یا فرع و مسئله فقهی یا قاعده اصولی یا غیر اینها، کار بجایی است و ممکن است به دلیل اختلاف نظرها در مورد ملاک‌هایی که باعث می‌شود یک موضوع قاعده فقهی تلقی شود دشوار هم باشد، اما به هر حال، مهم‌تر از جایگاه‌یابی این است که اصل کارکرد و استفاده آن چیست. هرچند شاید به قاعده فقهی نزدیک باشد، چون هم در تمامی ابواب فقه کاربرد دارد و هم کاربرد آن از قبیل تطبیق است، البته اگر نقشی که برای آن در تقیید ادله و تفریع قائل شدیم، در چهارچوب قاعده فقهی بگنجد. اما از اینکه ویژگی‌های قاعده فقهی را مفصلاً بیان کنیم و بررسی نماییم که آیا بر این بحث منطبق است یا نه، صرف‌نظر می‌کنیم. حاصل بحث این است که: یک، معنای مناسب برای واژه ظلم، تعدی از حد است، با فرض اینکه غیریت و دیگری وجود داشته باشد. دو، کاربرد در منابع دینی به همان معنای لغوی است. سه، تفاوت این کاربرد با معنای لغوی در محدود بودن مصادیق آن است، زیرا وقتی در حیطه دینی از ظلم سخن گفته می‌شود، زیر پا گذاشتن حدودی مصداق آن تلقی خواهد شد که از جانب آن دین معتبر شمرده شده باشند. چهار، مفروض در بررسی نقش ظلم این است که شارع احکام و مقررات معین و به تعبیر دیگر، شریعت وضع کرده باشد. پنج، دو زمینه برای نقش ظلم قابل بحث است؛ در تفریع مباحث فقهی و در برخورد با روایات و انصراف از بعضی مصادیق. البته سخن به اینجا تمام نمی‌شود و این تمام کلام در بحث نیست، زیرا اگر بخواهیم این مفهوم ارزشمند که اهمیت آن مورد نظر تمام ادیان و مذاهب و تفکرات بشری است، جایگاه مناسب خود را در نظام فقهی پیدا کند و این‌طور نباشد که وقتی کسی فقه اسلامی و به طور خاص، امامی را ارزیابی می‌کند، این احساس به او دست دهد که فقها نسبت به ظلم و همچنین عدالت بی‌اعتنا بوده‌اند، لازم است به طور خاص این مفهوم مورد دقت قرار گیرد، نه ذیل عدل و فرع بر آن، و از آن ضروری‌تر، نگاهی کلان و نظریه‌ای به مجموعه داشته‌های فقه است.

۱-۳-۳- مبنای وحدت و شورا

۱-۳-۱- نظریه نظام انقلابی

انقلاب اسلامی همانند پدیده‌ای زنده و با اراده همواره انعطاف دارد و آماده تصحیح خطاهای خویش می‌باشد اما تجدید نظر پذیر و اهل انفعال نمی‌باشد به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفه‌ای بی‌عمل محسوب می‌کند، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم ادغام شده است، فاصله

نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی بعد از نظام‌سازی به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌نماید (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷، ۳).

در سال ۱۳۹۷ مقام معظم رهبری نظریه نظام انقلابی را در فرازهایی از بیانیه گام دوم انقلاب مطرح نمود و در چارچوب نظریات نوین حکمرانی اسلامی مورد توجه واقع شد. به نظر می‌رسد این نظریه در عرصه حیات اجتماعی بشر مطرح شده است؛ که توانایی و کارآمدی دین را در اداره این حیات به اثبات می‌رساند و آن را نظامی، مردمی مستقل و مبتنی بر مبانی فقهی حقوق اسلامی ارزشهای اصیل و نظام مبتنی بر آزادی فکر و عدالت اجتماعی معرفی می‌کند. از منظر ایشان بهترین شکل سازمان اجتماعی همان چیزی می‌باشد که ایشان آن را نظام انقلابی نامیده است. این نظریه درست در نقطه مقابل نظریه نظم نوین جهانی قرار گرفته است. استراتژیستهای آمریکایی نظیر کسینجر و برخی از چهره‌ها و مسئولین غیرانقلابی کشور این جمله را تکرار می‌نمایند که ایران باید بین دو گزینه دولت ملت بودن یا «نهضت انقلابی» بودن، یکی را انتخاب نماید. برخلاف این، در بیانیه گام دوم انقلاب بر مفهوم راهبردی «نظام انقلابی» تأکید نموده اند. این دو باهم تناقضی ندارند چون اولی ساختار را نشان می‌دهد و دومی آرمان را گرفتن انقلاب از جمهوری اسلامی به معنی گرفتن آرمان و هویت از آن می‌باشد.

عنصر اساسی پیشرفت و ارتقای یک کشور در هر سه سطح با در اختیار داشتن توده‌های مردمی می‌باشد که بتواند ضمن افزایش آگاهی‌ها و مهارت‌های سیاسی و اجتماعی آنها، بسیج و سازماندهی‌های لازم را برای حمایت و پشتیبانی از سایر ملتهای مستضعف و محروم انجام بدهد. کشورهای اسلامی باید برای تحقق تمدن نوین اسلامی به همدیگر نزدیک شوند و وحدت و اخوت اسلامی داشته باشند. موقعیت دولتها در این نظریه با توجه به تمایزات، سیاسی اجتماعی و اقتصادی بین آنها در این نظریه متفاوت است و کشورهای اسلامی برای تحقق تمدن نوین انقلابی باید با نظام سلطه و استکبار به مبارزه برخاسته و رابطه خود را با غرب قطع کند در صورت ضرورت رابطه، باید مواظب باشد که در نهایت تحت استعمار و وابستگی غرب نباشد؛ نظام انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی به وجود آمده است، میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند و دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای دارد و ضمن داشتن تأثیر اساسی در منطقه دارای منطق قوی در مسائل جهانی می‌باشد (امینی و همکاران، پیشین، ۳۱).

۱-۳-۲- نظریه علت‌یابی مسائل سیاسی

اصلی‌ترین رسالت یک نظریه سیاسی جامع و مانع، تحلیل منطقی پدیده سیاسی مورد نظر به معنای تبیین ابعاد و جوانب موضوع در یک الگوی منسجم و هماهنگ است. یعنی معرفی قضایا و مسائل مرتبط با یکدیگر در مورد آن پدیده بنحوی که نهایتاً به یک علت‌یابی صحیح و معقول در رابطه با به وجود آمدن آن پدیده سیاسی و هم آثار و لوازمش بپردازد. در رابطه با تحلیل نظام انقلابی باید سه مسئله مورد توجه واقع شود:

- اولاً، انقلاب، یعنی یک حرکت بزرگ و رو به جلو که این حرکت هرگز ایستایی ندارد و به طور دائم پیش رونده می‌باشد و (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).
- ثانیاً نظام انقلابی نمونه‌ای منحصر به فرد از قیام یکپارچه توده‌های مسلمان علیه نظام فاسد حاکم و بر اساس ایده‌آلها و آرمان‌های مکتب دینی می‌باشد و حتی تعبیر «مشابه انقلاب‌های دیگر هم در مورد آن صادق نیست.
- ثالثاً عدم کارایی تئوریه‌ها و چارچوبهای تحلیلی موجود که قابل انطباق بر ماهیت این نوع نظام نبوده و نمی‌تواند تمایز اساسی آن را با سایر رخدادهای سیاسی روشن کند. چرا که عمدتاً بر پایه نگرشهای مادی گرایانه به تحلیل انقلاب-ها می‌پردازند. در روش تحلیل منطقی چهار عنصر اصلی در تحلیل عقلی یک شیء مورد سنجش قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:
- «مبانی» (قانون و علت مواد اجزاء و عناصر)،

- «روابط» (نحوه ترتیب اجزاء)،
- «اهداف» آثار و نتایج و غرض از این نوع نگرش سیستمی شناخت،
- «ابعاد مکانی» یک موضوع است.

۲- حاکمیت عدل

در میان توصیه های هفت گانه کلیدی رهبری به جوانان در بیانیه گام دوم، چهارمین محور اختصاص به «عدالت و مبارزه با فساد» دارد. مبتنی بر این بند: «این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است».

معظم‌له یادآوری می‌کنند که: «عدالت در صدر هدف‌های اولیه‌ی همه‌ی بعثت های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواح‌افاده) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گامهای بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

۲-۱ الزامات تحقق عدالت در گام دوم انقلاب

تحقق هر یک از ارزش‌های اجتماعی در جامعه نیازمند الزاماتی است که عدالت نیز از این رویه مستثنی نیست. رهبر معظم انقلاب اسلامی به برخی از این الزامات چنین اشاره دارند: «عدالت، با من بمیرم، تو بمیری درست نمی‌شود؛ عدالت، با تعارف درست نمی‌شود؛ اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد؛ این هم جزو پیش شرط‌ها و پیش نیازهای اجرای عدالت است، این الزامات باید توسط مخاطبین بیانیه گام دوم مورد توجه قرار گیرد و برای تعیین و تحقق آن تلاش شود. به واقع اگر تحقق عدالت فریضه‌ای واجب و رسالتی متعالی است، تحقق مقدمات و الزامات آن نیز واجب خواهد بود. چرا که بدون تامین مقدمات تحقق اهداف ممکن نخواهد بود، مهمترین الزامات تحقق عدالت را چنین می‌توان برشمرد:

۲-۱-۱-۱ قوانین عادلانه

از نظر رهبر دوران‌دیش و فرزانه انقلاب، عدالت اجتماعی بر سه رکن اساسی استوار است که معماران و طراحان نظام اجتماعی و مدیران و سیاست‌گذاران در پی ریزی بنیان‌ها و سازمان‌های اجتماعی باید همواره آنها را مد نظر قرار دهند: رکن اول، قوانین عادلانه است که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد، لذا تلاشگران تحقق عدالت باید تلاش نمایند تا در گام اول کاستی‌های قوانین موجود مرتفع گردیده و در نهایت قوانین عادلانه‌ای جامع تدوین شود تا معیاری برای عمل قرار گیرد.

۲-۱-۲ ساختار عادلانه

در ساحتی دیگر باید به ساختارهای ناصوابی که خود عاملی برای شکل‌گیری تبعیض و نابرابری است اشاره کرد که در بخش‌های مختلف بوروکراسی کشور وجود دارد و همچنان خروجی آن توزیع نابرابری است. تأثیرات این ساختارها هم در عملکرد دستگاه اجرایی مشهود است و هم در دستگاه قضایی. راه حل آن نیز اصلاح ساختارها از طریق تدوین قوانین

است که وظیفه خطیر مجلس شورای اسلامی به حساب می‌آید و تشخیص آن وظیفه دستگاه‌های نظارتی است. به واقع هم فقدان قانون و هم قانون بد موجب شده تا خروجی برخی دستگاه‌ها بطور طبیعی منافی عدالت باشد. بوروکراسی تنبل و پر پیچ و خم دستگاه اداری نیز خود به مانعی برای ایجاد رضایت‌مندی ملت از تحقق عدالت تبدیل شده که باید برای آن چاره‌ای اندیشید. این بوروکراسی ناکارآمد گاه آنچنان مردم را در پیچ و خم‌های خود سرگردان و معطل می‌کند، که جز نارضایتی و احساس ظلم چیزی عاید شان نمی‌شود و عملاً مانع تحقق عدالت است.

۲-۱-۳- جریان عادل و با تقوی

از نگاه حکیم فرزانه انقلاب اسلامی «رکن دوم، نیروی اجرا کننده این قوانین است، اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجرا کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته‌ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند، همچنان که قرن‌هایی گذشت و قوانین اسلام در جامعه‌هایی که مسلمان‌ها در آن زندگی می‌کردند اجرا نشد، به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در رأس قوه اجرایی قرار می‌گیرد باید انسانی عادل باشد، با تقوا و مراقبت کامل و بر قوانین و اجرای آن نظارت کند. به واقع این دست‌های پاک اند که خواهند توانست پاکی و درستی را برای جامعه به ارمغان بیاورند. نکته تکمیلی آن که تحقق این امر را باید در فرآیندهای گزینش کارگزاران نظام اسلامی دنبال نمود که مهمترین آن عرصه انتخابات است. انتخابات اگر در مردم سالار دینی به فرآیند شایسته سالاری و گزینش اصلح بدل گردد، آنگاه با جرات می‌توان گفت که مکانیزم تحقق عدالت در جامعه نیز نهادینه خواهد شد.

حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم نسبت به خطر فساد کارگزاران چنین اذکار می‌دهند: «سوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی همچنین یادآوری می‌کنند: «البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند، با لحاظ این نکته باید گفت که یکی از مهمترین وظایف جوانان مومن انقلاب در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی صیانت از انتخابات و تثبیت فرآیند شایسته سالاری در انتخابات خواهد بود.

۲-۱-۴- نظارت و آگاهی مردم

مبتنی بر نظرگاه رهبری مهم، «اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا بشود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان علیه السلام با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی طالب قرار داشت که عدل مجسم بود در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین علیه السلام به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت این نکته

نظر برآمده از نگاه مبنایی است که رهبری به جایگاه مردم در نظام اسلامی دارند. از این نگاه مبداء همه حرکت ها در جامعه اسلامی مردم اند. و تا مردم چیزی را نخواهند آن امر در جامعه محقق نخواهد شد و اگر هم با هر ترفندی محقق گردد دوام نخواهد آورد. لذا خواست و رای مردم مهمترین رکن ارزش های اسلامی - انسانی از جمله عدالت است. لذا جوانان مومن انقلابی و سازندگان فردای جمهوری اسلامی باید توجه نمایند که در مسیر تحقق عدالت در جامعه، همراه سازی مردم و توجیه و به میدان آوردن آنان نقش کلیدی در قبات و موفقیت جریان عدالت خواهی دارد. این مهم از طریق اعتمادسازی و تعامل مستمر با مردم، صداقت در عمل و پاسخگوی در قبال ایشان ممکن خواهد بود.

۲-۱-۵- گفتمان سازی

یکی از تاکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی ضرورت گفتمان سازی مفاهیمی است که می توانند به عنوان پیشران های انقلاب اسلامی عمل نمایند. اهمیت گفتمان سازی در نگاه ایشان از آن جهت است که اگر می خواهیم یک خواسته ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به صورت یک گفتمان پذیرفته شده در یابیم، به واقع اگر تفکری به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست در نگاه ایشان گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت در برهه ای از زمان در یک جامعه همه گیر بشود. (۸۸/۹/۲۲) در حقیقت گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود، مردم به آن توجه داشته باشند. از این منظر گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفس می کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند در این نگاه گفتمان با گفتن حاصل می شود؛ با تبیین لازم - تبیین منطقی، تبیین عالمانه و دور از زیاده روی های گوناگون - حاصل می شود؛ با زبان صحیح، با زبان علمی و منطقی و با زبان خوش، بایستی این مطالب را منتقل کرد، حکیم فرزانه انقلاب اسلامی گفتمان سازی را وظایف دستگاه های فرهنگی و در میان نیروهای اجتماعی، وظیفه فرهیختگان کشور اعم از روحانیون و دانشگاهیان و جوانان و دانشجویان می داند و تصریح دارند که در این امر نقش رسانه ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است. بدون شک از جمله پیشران های کلیدی انقلاب اسلامی عدالت و عدالت خواهی است که در این سال ها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده و برای تحقق عینی و گسترده آن در جامعه باید بدنیال تبدیل آن به گفتمانی فراگیر بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دومین نشست اندیشه های راهبردی که به موضوع عدالت اختصاص داشت به این مهم چنین اشاره می فرماید: «بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود. باید این مسئله را دنبال کنیم و پیگیری این بحث را رها نکنیم؛ چون زمینه خیلی زیاد است، نیاز خیلی شدید است... امروز که ما به بحث عدالت می پردازیم - بحث این نشست و مطرح شدن موضوع عدالت - این دنباله ای همان دغدغه ای اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سالهای متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقاً تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده؛ نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن هائی همیشه وجود داشته؛ همه هم با آنها آشنا بودند، کارهای زیادی هم - همین طور که عرض کردیم - انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح میکنیم، اولاً به این دلیل است که میخواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسلهای تازه، باید عنوان عدالت و مسئله ای عدالت، به عنوان یک مسئله ای اصلی، به طور دائم مطرح باشد. یکی از اهداف این نشست و طرح موضوع عدالت در این نشست، این است».

۲-۱-۶- مجاهدت، مبارزه، ایستادگی

تحقق عدالت نیازمند ثابت قدمی در مسیر حق است، چرا که در این مسیر موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد که دستیابی به عدالت را دور و غیرممکن جلوه می کند و این امر موجب تضعیف اراده و انگیزه عدالت خواهان خواهد شد. به همین خاطر رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید دارند: «اجرای عدالت یک روح غنی، یک اراده ی قوی و یک قدم ثابت لازم دارد. در این مسیر «ما به عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت قابل اغماض و قابل معامله

نیست و هیچیک از مصالح گوناگون - نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی - نمی‌تواند با عدالت معامله شود

۲-۱-۷- رسیدگی به محرومان و مستضعفان

امام خمینی مستضعفان را ولی نعمتانی معرفی می‌کند که انقلاب در مرحله پیروزی و بقای خود مرهون حضور آنان است، و خطاب به مجلس و دولت و همه دست اندرکاران نظام توصیه می‌کند از هیچ اقدامی در خدمتگذاری به ملت «خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد سبانی قبی حقوق اسلامی آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار[ی]» نکنند (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۷)

از نظر ایشان «پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده داشته باشد» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۸) بنابراین «دولت و مجلس شورای اسلامی و تمامی متصدیان امور تربیتی [را] در مقابل خداوند قادر و توده‌های ملت مستضعف مسئول» می‌دانند و می‌فرمایند: «باید بدانیم که از مسئولیت های بسیار بزرگ، مسئولیت دینی و ملی است، مسئولیت در مقابل مستضعفان و مظلومان است، و بالاخره مسئولیت در پیشگاه خالق و خلق، آن هم در طول تاریخ آینده» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۸)

۳- انقلاب اسلامی و تحول در فقه سیاسی شیعه

هر چند پیدایش فقه سیاسی به مقطع بعد از انقلاب اسلامی باز نمی‌گردد؛ بلکه محصول تجربه فقهی قرنهای پیش است و منابع آن را قرآن، سنت پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام (سیره و اقوال آنان)، عقل و اجماع تشکیل می‌دهد اما مطابق با نمودار ذیل میتوان گفت انقلاب اسلامی بیشترین نقش و کارکرد را در تحول بخشی به فقه سیاسی شیعه ایفاء نموده است که شرح آنها از این قرار است:

۱. نقش و کارکرد اول: ایجاد توجه به فقه سیاسی؛ فقه سیاسی در گذشته در حاشیه قرار داشت، و شاید هم تا حدودی گرد مهجوریت بر آن نشسته بود. انقلاب اسلامی، به دلیل داشتن ماهیت پر رنگ سیاسی و البته با هویتی اسلامی، عامل برانگیخته شدن توجه جدی به فقه سیاسی شد. ابعاد توجه به فقه سیاسی پس از انقلاب تا آن جا پیش رفت که ابعاد سیاسی در فقه از پاره ای از ابعاد دیگر فقه پیشی گرفت

۲. نقش و کارکرد دوم: تحرک بخشی به فقه سیاسی؛ در سایه ایجاد توجه به فقه سیاسی و پر رنگ کردن چهره آن، فقه سیاسی از حالت کم تحرکی و شبه انجماد خارج شد و در مسیر پویایی به حرکت درآمد؛ حرکتی که هنوز در نقطه های عزیمت قرار دارد و می رود تا فقه سیاسی را پس از گم بودن در لابه لای فقه عمومی به فصلی مستقل و ملموس بدل کند.

۳. نقش و کارکرد سوم: افزودن اجزاء و ابعادی به آن؛ فقه سیاسی در شرایط قبل از انقلاب، صرفاً حاوی مسائل محدودی بود، با وقوع انقلاب اسلامی ایران، فقه سیاسی میزبان پاره ای از مسائل جدید شد. انقلاب به دلیل ایجاد حکومت و مواجه کردن جامعه با مسائلی مهم، فقه را به عنوان مرجع پاسخ گویی به این مسائل در معرض تحول و توسعه قرار داد. بدین ترتیب حوزه های جدیدی در فقه با ماهیتی سیاسی مطرح گردید (کلپایگانی، ۱۳۸۳، ص ۵۴).

۴. نقش و کارکرد چهارم: تعمیق شناخت سیاسی در فقه؛ پارهای از موضوعات سیاسی و یا زوایای میراث سیاسی که در ناشناختگی به سر می برد، با انقلاب اسلامی و حوادث پر نشاط و گسترده آن، این موضوعات و یا میراث سیاسی در معرض شناخت قرار گرفت و محتوای واقعی خود را باز یافت و خودآگاهی نسبت به بخش مجهول فقه سیاسی به وقوع پیوست. بدین ترتیب علاوه بر مسائل جدید که قبلاً به آن اشاره رفت، نگاه و تفسیر جدید در فقه سیاسی ایجاد شد؛ نگاهی هوشمند و انسجام بخش (کدی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲).

۵. نقش و کارکرد پنجم: تعریف شدن و محل دقتهای فلسفی قرار گرفتن؛ این نقش، خود محصول چهار نقش پیشین محسوب می شود، در معرض قرار گرفتن برای تعریف شدن و دقتهای فلسفی، تحولی کمی نیست، نشان از بلوغ آگاهی فقهی دارد و از به رسمیت شناختن فقه سیاسی به عنوان یک رشته حکایت می کند. بدین گونه فقه سیاسی برای نخستین بار تعریفهای گوناگونی پیدا کرد و بحثهای فلسفی معطوف به آن شکل گرفت (خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵).
۶. نقش و کارکرد ششم: کشف نقطه مرکزی و محوری فقه سیاسی؛ مطرح شدن ولایت فقیه به صورت نظری و عملی از سوی انقلاب اسلامی برای فقه سیاسی این نتیجه را در بر داشت که محور و مرکز روح بخش آن آشکار گشت (دارابی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۲).
۷. نقش و کارکرد هفتم: تقویت قرائتهای عقل گرایانه از احکام شریعت؛ یکی از مهم ترین نقش ها و کارکردهای انقلاب اسلامی، تقویت قرائت های عقل گرایانه تر از احکام شریعت میباشد. تحولات بعد از انقلاب و نحوه موضع گیری فقهاء در مقابل مسائل جدید و میزان توانایی آن ها در حل مشکلات جامعه متفاوت بود و توانایی برخی دیدگاه های فقهی، مقبولیت آنها را در جامعه افزایش داد. به طوری که تفکر فقهاء عقل گرا از جمله امام خمینی (ره) از اهمیت بیشتری برخوردار گردید و توانایی این گروه از فقهاء در تطبیق شریعت با زمان و مکان و تلاش آنها برای ایجاد توازن معقول بین علم و دین و دنیا و آخرت و بین نوسازی و مذهب، جایگاه آنها و مقبولیت دیدگاه آنها را افزایش داد و فقه سیاسی شیعه را متحول ساخت (شریعتی، ۱۳۸۲، ص ۹۴).
۸. نقش و کارکرد هشتم: احیاء و برجسته سازی جایگاه مصلحت اجتماعی در فقه سیاسی شیعه؛ یکی دیگر از مهم ترین نقشها و کارکردهای انقلاب اسلامی، پررنگ شدن و احیاء جایگاه مصلحت در فقه سیاسی شیعه بوده است. اعتقاد به مصلحت و تبعیت احکام از مصالح و مفاسد یک پیش فرض و اصل مسلم پذیرفته شده در کتاب های فقهی و اصولی شیعه است. از دیدگاه فقهای امامیه، احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری است و هیچ حکمی را نمیتوان یافت که در جعل او مفسده با مصلحتی ملاحظه نشده باشد. این مصالح و مفاسد در واقع همین ملاکات و علل احکام است و احکام نیز دائر مدار آنهاست.
۹. نقش و کارکرد نهم: افزایش نقش حکومت اسلامی در تعیین مصادیق احکام شریعت؛ تأکید امام خمینی (ره) بر اختیارات مطلقه فقیه که براساس قرائتی که در قانون اساسی از آن ارائه شد به معنای اختیارات مطلقه حکومت بود موجب افزایش اقتدار حاکمیت گردید و اگر آن را با عنصر دیگر مورد تأکید امام خمینی (ره) یعنی مصلحت اجتماعی به عنوان مهم ترین معیار عمل حکومت در دوران غیبت مورد توجه قرار دهیم به معنای حمایت از ایجاد دولتی مقتدر است که بر اساس مصالح عمومی و عقلانی به رتق و فتق امور می پردازد. در حقیقت ولایت مطلقه به معنای حمایت از اختیارات فراتر از احکام شرعی حکومت است و از مشروعیت عمل به عقل مستقل در حیطه مصالح عمومی حمایت میکند. اصولاً بر اساس بحث در خصوص میزان اختیار فقهاء در دوران غیبت، می توان فقهاء را در یک طیف که در یک سر آن قائلان به حداکثر اختیار برای فقیه و در سر دیگر آن قائلان به حداقل اختیار برای فقیه قرار دارند طبقه بندی کرد. برخی فقهاء، حوزه تصدی فقیه را در دوران غیبت تنها در سه حوزه فتوا، قضاوت و امور حسبه میدانند و برخی این دامنه تصدی را گسترش داده و «انتظام امور دنیای مردم» را نیز جزء این حوزه قلمداد می کنند (صدر، ۱۴۰۱، ص ۶۸).
۱۰. نقش و کارکرد دهم: ارتقاء جایگاه احکام حکومتی و نقش آن در تقویت قابلیت انعطاف پذیری احکام شرعی. اصولیون شیعی احکام را به «اولیه» و «ثانویه» و «احکام حکومتی» تقسیم میکنند که این امر انعطاف پذیری ایشان را در مواجهه با مسائل مختلف بسیار افزایش میدهد. به اعتقاد اصولیون، از آنجا که شارع مقدس حکیم است و تمام کارهایش از جمله وضع مقررات و قوانین را بر پایه مصالح و مفاسد فرد و جوامع انسانی انجام می دهد هرگاه در موضوعی مصلحتی نهفته باشد که تحصیل آن برای مکلف لازم است، حکم وجوب و هرگاه مفسدهای در آن باشد

که دوری از آن بر مکلف لازم است، حکم «حرمت» را جعل میکند. فقها این نوع حکم را حکم واقعی اولی و موضوعات آن را عناوین اولیه نامگذاری کرده‌اند. چنانچه شرایط و حالات ویژه‌ای سبب گردد تا مکلف نتواند به احکام واقعی اولی عمل کند، شارع حکم دیگری را در آن مورد مقرر می‌کند که از آن به حکم واقعی ثانوی و از موضوعاتش به عناوین ثانوی یاد می‌شود (رحمانی، ۱۳۷۴: جلد ۷: ۲۲۷) بر اساس نظر این گروه در شرایطی همچون عسر و عرج، اضطرار، ضرر و ضرار، عهد و پیمان، عهد، مقدمه واجب و حفظ نظام میتوان از احکام ثانویه استفاده کرد که تعیین تحقق این شرایط به عقل واگذار شده است (شریعتی، ۱۳۸۲، ص ۸۲). شرایطی هستند که در آن انسان با مبانی فقهی حقوق اسلامی انجام احکام اولیه دچار مشکل و زحمت زیاد شود. فقهای اصولی در این مورد با توجه به روایات و آیات استدلال می‌کنند که در دین حرجی نیست ما جعل علیکم فی الدین من حرج (سوره حج، آیه ۷۸)

۱۱. نقش و کارکرد یازدهم: یکی از مهمترین تحولات فقه سیاسی این است که فقه سیاسی شیعه با انقلاب اسلامی، وارد یک مبحث تطبیقی با فقه سیاسی اهل سنت شده است. شاید آنها به فقه سیاسی ما توجهی نداشتند، اما با وقوع انقلاب اسلامی، این توجه وارد فضای تطبیقی شده است (جعفری، ۱۳۸۱، ۶۷).

۴- نقش فکری و نظریه پردازی رهبر در مسئله پایداری

۴-۱- ارائه تقریری روزآمد از اندیشه اسلامی با حفظ اصالت دینی

با توجه به مبنای شیعی انقلاب اسلامی ایران و پویایی فقه، آن روزآمدی و تقریر جدید از اندیشه اسلامی همراه با حفظ اصالت دینی یکی از شاخصه های اصلی آن است. انقلاب اسلامی ایران اجتهاد و استخراج احکام اسلامی و پرداختن به مسائل مستحدثه و در نهایت، تعیین احکام شرعی را پشتوانه نظری انقلاب میداند تا کارگزاران آن بر اساس احکام تعیین شده اسلامی عمل کنند آنان با مبنای مذکور توانستند روزآمدی و تقریر جدیدی از اسلام را با حفظ اصالت آن به مردم ارائه دهند روز آمدی باعث پاسخگویی به نیازهای روز و تصمیم مصلحت انقلاب بر اساس اتفاقات روز جامعه است که با اقدام به این مسئله بر جذابیت انقلاب در میان انقلابیان افزوده میشود رهبر این مسئله را به عنوان دستاوردی مهم در چله اول انقلاب بیان میفرماید: انقلاب اسلامی همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظر پذیر و اهل انفعال نیست به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی متحجر و در برابر پدیده ها و موقعیت های نوبه نو، فاقد احساس و ادراک، نیست اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است بیانیته گام دوم انقلاب)

۴-۲- نهادینه کردن اندیشه ولایت و امامت

از جمله نقش های مؤثر رهبر در پایداری، انقلاب انتخاب نوع حکومت پس از انقلاب است. ماهیت و ایدئولوژی ای که نیروهای انقلابی را بسیج کرده و نهایتاً منجر به وقوع انقلاب شده، در تعیین حکومت بسیار مؤثر است. انقلاب اسلامی ایران به دنبال تشکیل حکومت بر مبنای اندیشه اسلامی شیعه بود شیعه معتقد است پس از نبی مکرم اسلام امامت و ولایت جامعه برعهده ائمه. معصوم است بر اساس روایات وارد شده، زمانی که امام معصوم بنا به مصالحی در پشت پرده غیبت، باشد اولی ترین فرد به این مقام ولی فقیه است. رهبر انقلاب اسلامی با تکیه بر روایات و مستندات موجود مانند روایت «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم، و انا حجة الله» (شیخ صدوق ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۸۴)، بحث نیابت از امام معصوم را مطرح کردند و نظام جمهوری اسلامی ایران را با اندیشه ولایت فقیه بنا نهادند. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران ابعاد گوناگون اندیشه ولایت فقیه را در قانون اساسی و ساختار سیاسی نهادینه کردند و تا پایان عمرشان به تبیین ولایت فقیه پرداختند و این مسئله را در همه عرصه ها تجلی بخشیدند. همچنین رهبر معظم انقلاب با شرح و بسط معنای ولایت فقیه آن را در عرصه های مختلف جامعه زنده و پویا نگه داشتند. ایشان ولایت فقیه را استمرار ولایت الهی بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، مرقی ترین تر حکومتی بیانات امام خامنه ای در

تاریخ ۱۳۶۵/۴/۲۹) حکومت دین شناسان (بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۷) حکومت مردمی اسلامی (بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۸) و... تعریف کرده اند.

رهبر معظم این واقعیت را در بیانیه گام دوم نشان دادند که دستاوردهای چله اول انقلاب با محوریت نظریه ولایت فقیه بوده و با اداره مناسب کشور توسط ولی فقیه به دست آمده است. این مسئله حاکی از قوت نظری انقلاب اسلامی ایران است. نظریه ولایت فقیه از پیش از انقلاب تا چله دوم آن توانسته است با پاسخگویی جامع به نیازها در راستای تحقق اهداف انقلاب حرکت و آن را به پایدارترین انقلاب در مقایسه با انقلاب های دیگر تبدیل کند.

۴-۳- استقامت بر آرمانها

استقامت بر اصول و آرمانها یکی دیگر از نقشهای اساسی رهبران انقلاب اسلامی ایران در پایداری آن است. این مسئله باعث پویایی انقلاب و تقویت انگیزه انقلابیان میشود، اما انحراف از آرمانها و عدم استقامت باعث از بین رفتن اعتماد و انگیزه انقلابیان و درنهایت منجر به فروپاشی انقلاب می شود. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی است که یک چله را بدون انحراف و تغییر در اهداف اصول و آرمانهایش پشت سر گذاشته و وارد چله دوم شده است، امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در دهه نخست پیروزی انقلاب، بر حفظ آرمان های انقلاب پافشاری بسیاری داشتند و با اقدامات تضعیف کننده آرمانهای انقلاب اسلامی به شدت برخورد می کردند. این مسئله در سیره و کلام ایشان کاملاً مشهود است. یکی از آن موارد برخورد شجاعانه ایشان با توطئه سلمان رشدی و صدور حکم تاریخی ارتداد این شخص و اعدامش به دست مردم بود، همچنین ایشان در خصوص سازش با دشمنان به طور مقتدرانه میفرمایند: جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲۵)

بیانیه گام دوم این انقلاب را بزرگترین و مرد میترین انقلاب عصر جدید معرفی می کند: انقلاب اسلامی تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت سر نهاده و تنها انقلاب صیانت کننده از کرامت خود و اصالت شعارهایش در برابر همه وسوسه های به ظاهر مقاومت ناپذیر است (بیانیه) گام دوم انقلاب). اما سایر انقلاب های ناپایدار مانند اخوان المسلمین از اصول و آرمان هایی که توسط رهبران آن یعنی حسن البنا و سید قطب پایه ریزی شده بود منحرف شدند و بنابراین حمایت انقلابیان را از دست دادند. از جمله آنها انحراف از ایجاد حکومت اسلامی «انحراف از مخالفت با اسرائیل و انحراف از حمایت «فلسطین مصباح زاده، ۱۳۹۵: ۷۰) است.

۴-۴- ایجاد خودباوری

یکی از عوامل خودباختگی ملت ایران در زمان پیش از انقلاب اسلامی القای ناتوانی در انجام امور بر آنان بود؛ به گونه ای که باعث شده بود فرهنگ غربی بر ایران مسلط شود و امور کشور را بر عهده گیرد اما رهبر انقلاب اسلامی با طرح مسئله خودباوری، امید را به ملت بازگرداند و زمینه انقلاب اسلامی را به وجود آورد امام خمینی در این باره فرموده اند: باید عرض کنم که تا ملت شرق خودش نفهمد این معنا را که خودش هم یک موجودی است، خودش هم یک ملتی است شرق هم یک جایی است نمی تواند استقلال خودش را به دست بیاورد.... مکتب بزرگ اسلام که رأس همه مکاتب است و در شرق است، شرق او را گم کرده است تا این مکتب را پیدا نکند شرق و نفهد مکتبش چه است و خودش چه است و خودش هم یک موجودی است و کشورش هم یک کشوری است، نمی تواند مقابله کند با غرب (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۲۳۵). رهبران ایران همیشه به خودباوری تأکید داشته و خودباختگی را منشأ همه گرفتاری های کشور خوانده و با ایجاد امید و انگیزه شعار ما میتوانیم را جایگزین ناامیدی ملت ایران کرده اند. با عملی کردن این شعار در سطح جامعه ایران را به سمت پیشرفتهای بسیار بزرگی در جهان پیش برده و موجب بالندگی و پایداری آن شده اند. رهبر در بیانیه گام دوم انقلاب به آثار مثبت خودباوری اشاره می فرمایند مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می توانیم که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه ها رسانید» (بیانیه گام دوم انقلاب).

۴-۵- نهادهینه کردن اندیشه مقاومت

یکی از مقوله هایی که رهبران انقلاب اسلامی ایران بر اساس آموزه های دینی آن را به جهان اسلام عرضه کردند فرهنگ مقاومت و استقامت در برابر مستکبران است. مقاومت در برابر دشمنان درسی بود که امام خمینی از زمان بنیانگذاری انقلاب بابرکت اسلامی آن را به مردم آموختند انقلاب اسلامی ایران با نهایت اقتدار و عزت تنها راه علاج کشور را مقاومت در مقابل مستکبران و ظالمان می داند؛ به گونه ای که رهبر معظم انقلاب آن را «دولت مقاومت»^{۲۱۲} الهی قسّی حقوق اسلامی معرفی می کند: «ما امروز دولت مقاومتیم؛ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده طلبی نشدن در موضع اقتدار ایستادن دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می گیرد» بیانات امام خامنه ای در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۰

انقلاب اسلامی ایران پس از گذراندن چهل سال تجربه ارزشمند، توانسته است با همراهی ملت های آزاده جهان مقاومت اسلامی را در مقابل مستکبران تقویت کند. این مسئله با پیدایش گروه دست نشاندۀ مستکبران جهان (داعش) در کشورهای همسایه نمود بیشتری داشت که محور مقاومت در منطقه به فرماندهی سید و سالار شهیدان مقاومت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی توانست آنان را شکست دهد و مردم و دولتهای گرفتار در چنگال آنان را برهاند در بیانیه گام دوم انقلاب مقاومت در برابر مستکبران جهان به عنوان یکی از برکات بزرگ انقلاب اسلامی معرفی شده است:

نماد پرابهت و باشکوه و افتخار آمیز ایستادگی در برابر قلدان و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان امریکای جهان خوار و جنایت کار روز به روز برجسته تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت های متکبر و مستکبر خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. قدرت های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته اند در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند بیانیه گام دوم انقلاب).

جنبش های اسلامی معاصر نتوانستند در مقابل مستکبران مقاومت کنند؛ به گونه ای که کوبین برت، اسلام شناس امریکایی میگوید آیت الله خمینی دریافت که تمامی مسلمانان برای حمایت از مستضعفین جهان در برابر ظالمان جهان یک وظیفه اخلاقی دارند. مقاومت در برابر امپریالیسم آپارتاید و صهیونیسم نیز از وظایف مسلمانان است. اخوان المسلمین باید از تسلیم و تعظیم در برابر حاکمان ظالم غربی دست بکشد و به نبرد جهانی در برابر استعمار بپردازد (اشرفی، ۱۳۹۴: ۱۰۳)

۴-۶- افزایش معنویت و اخلاق

افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای جامعه از شاخص های انقلاب اسلامی ایران است که برکات فراوانی را در جامعه به وجود آورده است گرچه دشمنان با امکانات مختلفی به دنبال رواج فرهنگ غربی در ایران اسلامی هستند مدیریت رهبران انقلاب اسلامی ایران در ایجاد رویکرد اسلامی و دینی باعث شد که فطرت های اسلامی مردم را دریابند و معنویت و اخلاق را در جامعه افزایش دهند این مقوله را میتوان در حضور چشمگیر و میلیونی مردم در مراسم دینی مذهبی و انقلابی و حضور جوانان در عرصه های مختلف دینی و فرهنگی از جمله شجره طیبه بسیج دید افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در جامعه نیز به عنوان یکی از معجزات انقلاب اسلامی ایران در بیانیه گام دوم تبیین شده است: انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه ای چشمگیر افزایش داد این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب بیش از هر چیز رواج داد آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه های مادی در رأس کشوری قرار گرفت که مایه های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. ... مساجد و فضاهای دینی رونقی بی سابقه گرفت صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده

شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و اتفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز روز به روز بیشتر و باکیفیت تر شده است بیانیه گام دوم انقلاب)

نتیجه گیری

گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران سخنان رهبر انقلاب اسلامی درباره گام دوم انقلاب، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب را در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب صادر فرمودند. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب تجدید مطلعی است باملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی هستند و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم می‌زنند. مخاطب بیانیه گام دوم، جوانان هستند که بر اساس متن بیانیه، «بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» را آغاز خواهند کرد. در این بیانیه، جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی شده‌اند که دنباله مسیر انقلاب اسلامی باید با همت و هشیاری آنان طی شود. بیانیه مذکور، مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور را نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی دانسته و جمعیت جوان زیر چهل سال را فرصت ارزشمندی برای کشور قلمداد کرده است.

ضرورت بهم پیوستگی اسناد بالادستی؛ در گام اول نیاز است اسناد بالادستی به صورت یک «بسته کامل» مورد توجه قرار گیرد. این اسناد بالادستی شامل: قانون اساسی، برنامه بیست ساله چشم‌انداز، برنامه‌های پنج‌ساله، برنامه‌های یک‌ساله، شعار سالیانه و سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های پنج‌ساله و بیانیه گام دوم است. لذا براین اساس و با بهره‌مندی از تجارب دیگر کشورها و تجارب ۴۲ ساله حاصله، زنجیره و مدل کلان سیاست‌گذاری در کشور طراحی و به موقع اجرا گذاشته شود. برای این منظور، توجه عمیق به پیوستگی و هم‌پوشانی و تقدم و تاخر مجموعه اسناد بالادستی و طرح مکانیزم‌ها و شاخص‌های بهم پیوستگی و طراحی درخت سیاست‌گذاری از پیش‌نیازهای اساسی است و بر همین اساس بایست رابطه علت و معلولی و اثرگذاری و اثرپذیری سطوح مختلف اسناد بر یکدیگر تبیین، ابلاغ و ساختاردهی شود و در طی یک مدت مشخص، مدل حاصله دستخوش تغییر نگردد. تا امکان نتیجه‌گیری فراهم آید.

شناخت وضع موجود و تبیین سیاست‌ها؛ آنچه تا این لحظه کمتر بدان پرداخته شده است طرح آمایش کشور است. چرا که مبنای سیاست‌گذاری بویژه در حوزه کلان، شناخت جامع نسبت به زیست بوم کشور است و این شناخت از طریق اجرای طرح آمایش بدست می‌آید. افزون بر اطلاعات، آمار و مستندات شناختی جامعه سیاست‌گذار، ظرفیت‌ها، پتانسیل و توانمندی‌های موجود نیز باید در مرحله طراحی به درستی ارائه گردد. و سپس انتظارات و سیاست‌های کلان در راستای رسیدن به اهداف تبیین شده باشد. با نگاهی به فرآیند تبیین سند چشم‌انداز، مشخص می‌گردد که این سند با ضریب خطای قابل توجهی تدوین و ابلاغ شده است (انتظارات غیرقابل دستیابی و صرفاً با نگاه به اول شدن در منطقه) در حالیکه در همان مراحل اولیه برخی نخبگان جامعه اظهاراتی مبنی بر عدم امکان تحقق چنین سندی را اظهار نمودند. لذا شناخت وضع موجود از مهم‌ترین عوامل طراحی دقیق نقشه سیاست‌گذاری در کشور است.

هدایت و کنترل اجرای سیاست‌ها؛ یکی از اجزای فرایند پیاده‌سازی یک سیستم واحد؛ هدایت، کنترل یا نظارت و ارزیابی است. در این زمینه یک مدل اثربخش که منجر به افزایش بهره‌وری و تضمین تحقق سیاست‌ها و اهداف از طریق اجرای برنامه‌ها و... شود را نداشته‌ایم. بدیهی است یک سیستم سیاست‌گذاری، بدون نظارت و کنترل (فید بک) تضمینی برای اجرای سیاست‌ها نخواهد داشت، چه رسد به تحقق اهداف و انتظارات. لذا لازمه تحقق سیاست‌ها و برنامه‌ها، طراحی ساختارهای مورد نیاز در حوزه هدایت و کنترل امور است.

منابع

۱. اشرفی و سلامت، اکبر، طیبه (۱۳۹۴) رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر»، مجله جستارهای سیاسی معاصر، ش ۲.
۲. امینی سید جواد، مبینی، محمد، ۱۳۹۸، مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۲۳-۴۸
۳. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، نشر معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بیرجند
۴. جمعی از پژوهشگران، دایرة المعارف تشیع، ج ۱۱.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، دین و سیاست در دوره صفوی، قم: بوستان کتاب.
۶. خمینی(ره)، امام روح الله موسوی (۱۳۸۱)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)،
۷. دارابی، علی (۱۳۸۹)، جریان شناسی سیاسی در ایران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و
۸. دبیری، محمدی ۱۳۸۰، تکامل اخلاق در پرتو اصول عقاید. مشهد، جوان یاوران.
۹. داوودی، محمد ۱۴۰۰، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، شصت و هشتم.
۱۰. رحمانی، محمدرضا (۱۳۷۴)، «ملاکات احکام و احکام حکومتی»، احکام حکومتی و زمان و مکان، مجموعه
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۶ق، المفردات، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه.
۱۲. شریعتی، روح الله (۱۳۸۲)، «چیستی قواعد فقه سیاسی» مجله علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)،
۱۳. شریعتی، روح الله (۱۳۸۲)، «چیستی قواعد فقه سیاسی» مجله علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۲۱)،
۱۴. شرباصی، احمد ۱۳۹۳، دایرة المعارف اخلاق قرآنی، ج ۱. سنج، زانست.
۱۵. صدر، محمدباقر (۱۴۰۱ق) اقتصادنا، بیروت: انتشارات دار التعارف للمطبوعات.
۱۶. کدی، نیکی (۱۳۸۱)، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۸۳ق)، الهدایة من له الولاية، به قلم احمد صابری همدانی، قم.
۱۸. شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن حسین، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، ج ۱۸، قم، ایران، نشر آل البيت.
۱۹. صدر، سیدمحمد ۱۴۱۲ق، ماوراء الفقه، ج ۱، بیروت، لبنان، داراضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۰. فاضل، مقداد، ۱۳۷۳، کنز العرفان، ج ۲، چ ۵، تهران، ایران، مرتضوی.
۲۱. فوادیان دامغانی، رمضان ۱۳۸۲، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، تهران: لوح محفوظ.
۲۲. لويس معلوف، ۲۰۱۹م، المنجد، قم، ایران، دارالعلم.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح الله ۱۴۰۹ق، تحریر الوسيله، چ ۲۱، قم، ایران، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین، تهران، زرین. چاپ دوم.